

واکاوی روایات بازتاب‌دهنده اندیشه سیاسی اجتماعی امام حسین علیه السلام در منابع اهل سنت
 مرضیه بلخاری قهی / محمدرضا شاهرودی / محمد صالحیان
 علمی - پژوهشی
 فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
 سال بیست و یکم، شماره ۸۳ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۳، ص ۹۷-۱۱۰

واکاوی روایات بازتاب‌دهنده اندیشه سیاسی اجتماعی امام حسین علیه السلام در منابع اهل سنت*

مرضیه بلخاری قهی^۱ / محمدرضا شاهرودی^۲ / محمد صالحیان^۳

چکیده: امام حسین علیه السلام در میان شیعیان و سایر فرق اسلامی، شخصیتی منحصر به فرد به دلیل رهبری قیام عاشورا است. پیرامون شخصیت آن حضرت به واسطه انتساب ایشان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، از دیدگاه فریقین، قرار داشتن آن حضرت در زمره والاترین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دیدگاه اهل سنت و دارا بودن مقام منیع امامت از منظر شیعیان، زمینه‌ها و آثار قیام تاریخی عاشورا، کتاب‌ها و پژوهش‌های فراوانی نگاشته شده است. اگرچه ایشان در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سنین کودکی خود را سپری می‌کرده‌اند. عواملی از این دست ایجاب می‌کند سخنان منسوب به ایشان مورد مذاقه بیشتر و از حیث سند و متن مورد ارزیابی قرار گیرد تا سلیم حدیث ایشان از سقیم آن باز شناخته شود؛ از این رو پرداختن به نقد سخنان سیاسی اجتماعی امام در منابع اهل سنت و احراز اعتبار سندی و محتوایی آن‌ها، جنبه علمی پیدا می‌کنند.

کلید واژه: امام حسین علیه السلام، روایات سیاسی، روایات اجتماعی، اعتبارسنجی احادیث.

* دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد تهران جنوب.

۲. دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران (استاد راهنما).

۳. استادیار دانشگاه آزاد تهران جنوب (استاد مشاور).

۱- مقدمه

در منابع دینی، احادیث به عنوان دومین منبع استنباط آموزه‌های اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند متعال وظیفه تبیین آیات قرآن کریم را به عهده رسول گرامی اسلام گذاشته است (نحل: ۴۴)؛ از همین رو، قول و فعل آن حضرت به عنوان مبین قرآن مورد عنایت ویژه صحابه قرار گرفت. بعد از حیات رسول خدا ﷺ، با تحول وضعیت سیاسی-اجتماعی جامعه عرب و تثبیت جایگاه پیامبر به عنوان حاکم جامعه اسلامی، این نقش به خلفا انتقال یافت. اما شیعیان با اعتقاد به جانشینی حضرت علی علیه السلام و فرزندان ایشان، دامنه حجیت را محدود به گفتار و کردار امامان علیهم السلام کردند و به گردآوری و ثبت روایات رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام اهتمام ورزیدند (مامقانی، ۲۴۰/۲).

۲- مفهوم اعتبار سنجی

از نظر اهل سنت، حدیث از نظر قبول و رد به سه دسته صحیح، حسن و ضعیف تقسیم می‌شود. این تقسیم توسط ترمذی در کتاب سنن ذکر شده و بعد از آن نیز در میان علمای متأخر اهل سنت ثابت باقی مانده است. ابوسلیمان خطابی می‌گوید: «حدیث نزد اهل آن به حدیث صحیح، ضعیف و سقیم تقسیم می‌شود» (خطابی، ۱۳۵۱ق، ج ۱، ص ۱۱). ابن صلاح نیز همین نظر را انتخاب کرده است (ابن صلاح، ۱۴۰۶، ص ۹). سیوطی اقسام حدیث صحیح و معتبر نزد اهل سنت را این‌گونه بیان می‌کند: بالاترین درجه صحیح، حدیثی است که بخاری و مسلم بر آن اتفاق داشته‌اند و سپس حدیث‌هایی که بخاری و مسلم ذکر کرده‌اند و احادیث صحیح نزد دیگران (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۱).

۳- مفهوم روایات سیاسی - اجتماعی

واژه «سیاست» از ریشه «سَوَسَ یُسوس» به معنای فرمان دادن و اداره کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۱۰۷). در منابع اسلامی، سیاست به معنای تدبیر جامعه و اداره امور آن مطرح شده و ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان «ساسة العباد» یاد شده‌اند. برخی منابع، سیاست را به معنای عمل تصمیم‌گیری و اجرای آن برای کل جامعه تعریف می‌کنند (بشیریه، ۱۳۸۱، ص

۲۳-۲۴). بنابراین، روایات سیاسی-اجتماعی به اداره جامعه و تدبیر آن مربوط می‌شوند و از امام صادر شده و در منابع اهل سنت ثبت شده‌اند.

با توجه به کمیابی احادیث امام حسین (ع) در منابع اهل سنت، علاوه بر سخنان او، روایاتی از رسول خدا (ص) و امام علی (ع) که امام حسین (ع) نقل کرده، گردآوری شده است. رویکرد «اسناد» در قرن اول هجری، سخنان را به رسول خدا یا صحابه نسبت می‌داد و اهل بیت (ع) علاوه بر نقل مستقیم، اخبار منتقل شده از طریق امام علی (ع) را نیز بیان کردند، بنابراین احادیث امام حسین (ع) به این دو منبع نیز مرتبط است.

۴- اندیشه سیاسی-اجتماعی امام حسین (ع) در منابع اهل سنت

پس از پیامبر (ص)، در زمان خلافت ابوبکر و عمر، امام حسین (ع) در مواردی مانند گواهی دادن درباره فدک حضور داشت (ابن رستم، ۵۰۷-۵۰۶). در دوره خلافت عثمان، نخستین نقش فعال حسین بن علی (ع) به فتح طبرستان مرتبط است (طبری، ۳/۳۲۳). همچنین، در منابع آمده است که امام حسین (ع) به ابوزر در دوران تبعید، به صبر و درباری دعوت کرده و پیروزی را نزدیک دانسته است (بلذری، ۳/۲۰۶-۲۱۷).

در زمینه رفتار اجتماعی اهل بیت (ع)، امام حسین (ع) و برادرش حسن (ع)، به فرمان امام علی (ع)، برای محافظت از عثمان در برابر شورشیان اقدام کردند، حتی با وجود نارضایتی از عملکرد خلافت عثمان (مقدسی، ۵/۲۰۶). این اقدام نشان‌دهنده تلاش امام حسین (ع) برای پاسداری از ارزش‌های جامعه است. نهضت امام حسین (ع) نیز از منظر مسائل سیاسی و اجتماعی اهمیت دارد و بررسی احادیث سیاسی-اجتماعی او می‌تواند به درک این ویژگی‌ها کمک کند.

۴-۱- توجه به جایگاه اهل بیت (ع) در جامعه

جایگاه اهل بیت (ع)، به ویژه امام علی (ع)، در کلام امام حسین (ع) در منابع اهل سنت برجسته است. در ادامه، به بررسی سه روایت مرتبط با این موضوع پرداخته می‌شود که به وضوح به اهمیت و جایگاه اهل بیت (ع) در جامعه اسلامی اشاره دارند:

روایت اول: «فَمَنْ يَأْتِيهِمْ فَبَايِعْهُمْ»، فَقَالَ: عَلِيُّ مَا أَبَايِعُهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «عَلَى أَنْ

يُطَاعَ اللَّهُ، وَلَا يُعْصَى، وَعَلَى أَنْ تَمْنَعُوا رَسُولَ اللَّهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتَهُ مِمَّا تَمْنَعُونَ مِنْهُ أَنْفُسَكُمْ وَذَرَارِيَكُمْ» (الطبرانی، ۱۴۱۵، ۲/۲۰۷). این روایت به بیعت عقبه اشاره دارد که در آن پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از امام علی عَلِيٌّ خواسته‌اند تا با گروه انصار بیعت کند. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این بیعت، شرایطی را برای انصار مقرر کرده است، از جمله اینکه آنها باید به اطاعت از خداوند و حمایت از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت ایشان پایبند باشند. در این روایت، تأکید بر نقش و جایگاه اهل بیت عَلِيٌّ و ذریه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به وضوح مشاهده می‌شود.

تحلیل سندی^۱: سند این حدیث شامل افراد ثقه‌ای مانند احمد بن محمد بن الجعد الوشاء و عبد الله بن مروان است، اما حسین بن زید در منابع اهل سنت ضعیف شمرده شده و این موجب ضعف سندی می‌شود. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲، ج ۱۱، ص ۲۸۷؛ ابن عساکر، ج ۳۳، ص ۳۷) مضمون حدیث: محتوای روایت به تأکید پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر اهمیت بیعت با اهل بیت عَلِيٌّ و حمایت از آنها اشاره دارد، که نشان‌دهنده جایگاه ویژه اهل بیت عَلِيٌّ در جامعه اسلامی است. (طبرانی، ۱۴۱۵، ۲/۲۰۷)

روایت دوم: حدثنا محمد بن مصفى الحمصی حدثنا العباس بن الولید، عن شعبة عن يزيد بن أبي مريم: «دَعَا مَا يُرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يُرِيْبُكَ فَإِنَّ الْكَذِبَ رِيْبَةٌ، وَإِنَّ الصِّدْقَ طُمَأْنِينَةٌ» (بلادری، ۱۴۱۷ هـ، ۳/۱۴۳): در این حدیث، امام حسین عَلِيٌّ به خاطرهای از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره می‌کند که در آن پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ممنوعیت دریافت صدقه از اهل بیت عَلِيٌّ را بیان کرده‌اند. این حدیث به اصول دینی و اخلاقی اشاره دارد، از جمله تأکید بر صداقت و دوری از دروغ که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آن توصیه کرده‌اند.

تحلیل سندی: سند این حدیث صحیح است و شامل افراد ثقه‌ای مانند محمد بن مصفی الحمصی و العباس بن الولید است. (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲۰۳-۲۰۲، ابن حبان، ۱۳۹۳ ق، ج ۴، ص ۸۲)

مضمون حدیث: این روایت نشان‌دهنده رعایت احکام دین و تأکید بر اخلاق در تعاملات اجتماعی است. امام حسین عَلِيٌّ از این حدیث برای تأکید بر احترام به قوانین دین و جایگاه اهل بیت عَلِيٌّ استفاده می‌کند و اهمیت صداقت و دوری از دروغ را در رفتار

۱. در سراسر این مقاله تحلیل سندی فقط بر مبنای منابع اهل تسنن انجام شده است.

و تعاملات اجتماعی برجسته می‌کند. (بلاذری، ۱۴۱۷ هـ، ۱۴۳/۳)

روایت سوم: حَدَّثَنَا يَشْرُبُ بْنُ مُوسَى، ثنا الْحَمِيدِيُّ، ثنا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَرِيكٍ، عَنْ يَشْرِ بْنِ غَالِبٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، قَالَ: «مَنْ أَحَبَّنَا لِلدُّنْيَا فَإِنَّ صَاحِبَ الدُّنْيَا يُحِبُّهُ الْبُرُوفُ الْفَاجِرُ، وَمَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ كُنَّا نَحْنُ وَهُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ» وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَالْوُسْطَى: (أبو القاسم الطبراني، ت ۳۶۰ هـ، ۱۲۵/۳)

این روایت به محبت مردم به اهل بیت (ع) اشاره دارد و بیان می‌کند که محبت واقعی باید برای رضایت خداوند باشد، نه برای منافع دنیوی و محبت اهل بیت (ع) به عنوان محبت الهی در روز قیامت، موجب نزدیکی به اهل بیت (ع) و همراهی با آنها خواهد شد. در این حدیث، محبت دنیوی و آخرتی به اهل بیت (ع) از یکدیگر تفکیک شده و اهمیت محبت حقیقی برای خداوند مورد تأکید قرار گرفته است.

تحلیل سندی: این حدیث از جمله احادیث ضعیف است و به دلیل ضعف عبد الله بن شریک در منابع حدیثی، اعتبار آن مورد تردید است. (رباط، ۱۴۳۰، ج ۱۷، ص ۵۱۲، أبوزرعة الرازي، ج ۳، ص ۸۹۰) ذهبی نیز او را امام، حافظ، فقیه و شیخ الحرم توصیف کرده است. (ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۹، ص ۳۱). سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ الهاللي: عجلی او را ثقه و ثبت فی الحدیث دانسته است. (العجلی الکوفی، ۱۴۰۵ هـ، ۱۹۴)

مضمون حدیث: محتوای حدیث اهمیت محبت واقعی به اهل بیت (ع) را برای رضایت خداوند و آثار آن در قیامت توضیح می‌دهد. (أبو القاسم الطبراني، ت ۳۶۰ هـ، ۱۲۵/۳)

۲-۴- یادآوری حق خود برای جانشینی پیامبر (ص)

ائمه (ع) همواره به یادآوری حق جانشینی خود پرداخته‌اند. امام حسین (ع) نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در روایتی به این موضوع اشاره کرده است: «إِنَّ أَبِي لَمْ يَكُنْ لَهُ مَنبَرٌ، وَأَجْلَسَنِي بَيْنَ يَدَيْهِ، وَفِي يَدَيَّ حَصَى فَجَعَلْتُ أُفْلِحُهُ، فَلَمَّا نَزَلَ ذَهَبَ بِي إِلَى مَنْزِلِهِ فَقَالَ لِي: «يَا بُنَيَّ مَنْ عَلَّمَكَ هَذَا؟» قُلْتُ: مَا عَلَّمَنِيهِ أَحَدٌ. قَالَ: «أَيُّ بَنِي حَلْفُتُ تَعَشَانَا حَلْفُتُ تَأْتِنَا» قَالَ: فَأَتَيْتُهُ يَوْمًا وَهُوَ خَالٍ بِمَعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَابْنُ عَمْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالْبَابِ لَمْ يَدْخُلْ فَرَجَعَ ابْنُ عَمْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، فَلَمَّا رَأَيْتُهُ يَرْجِعُ رَجَعْتُ، فَلَقَيْتَنِي عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ: «أَيُّ بُنْيٍّ لَمْ أَرَكْ أَتَيْتَنَا»، قُلْتُ: قَدْ جِئْتُ وَأَنْتَ خَالٍ بِمُعَاوِيَةَ فَرَأَيْتُ ابْنَ عُمَرَ يَرْجِعُ فَرَجَعْتُ، قَالَ: أَنْتَ أَحَقُّ بِالْإِذْنِ مِنْ ابْنِ عُمَرَ، إِنَّمَا أَتَيْتَ فِي رُءُوسِنَا مَا هَدَى اللَّهُ وَأَنْتُمْ، وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ» (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ق، ۱۴۳/۲).

تحلیل سندی: ابن سعد سلیمان بن حرب را ثقه و کثیر الحدیث دانسته است. وی ابتدا قاضی کوفه و سپس به بصره رفت و در سال ۲۲۴ درگذشت (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۲۱۹). بخاری از سماع او از شعبه، حماد بن زید و حماد بن سلمه گزارش داده است (بخاری، بی تا، ج ۴، ص ۹). خطیب بغدادی نیز تأیید کرده است (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۲۲). ابن حبان نیز سلیمان بن حرب را در زمره ثقات ذکر کرده است (عجلی کوفی، ج ۸، ص ۴۵۶). حماد بن زید در سال ۱۷۹ هجری درگذشت (مزی، ۱۴۰۰، ج ۷، ص ۲۵۲). ابوحاتم گفته که او امام مردم در بصره بود (مزی، ۱۴۰۰، ج ۷، ص ۲۵۴). یحیی بن معین و عجلی نیز او را ثقه دانسته‌اند (عجلی کوفی، ج ۷، ص ۴۵۸).

یحیی بن سعید الأنصاری نیز ثقه دانسته شده است (عجلی کوفی، ج ۵، ص ۵۲۱). نسائی او را مأمون و یکی از ائمه دانسته است (نسائی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۴۰). عبید بن حنین نیز ثقه و صالح الحدیث است (رازی، ۱۴۰۲، ۵/۴۰۵). نتیجه می‌گیریم که سند حدیث صحیح و معتبر است.

مضمون حدیث: امام حسین فرمود: «از منبر پدرم فرود بیا» که نشان می‌دهد منبر خلیفه متعلق به رسول خدا ﷺ است. اهل بیت پیامبر به خلافت و نشستن بر آن منبر شایسته‌ترند و هر کس باید به جایگاه و حق خود احترام بگذارد.

* نامه امام حسین علیه السلام به سران بصره: «نحن نعلم انا احق بذلك الحق» (طبری، ج ۵، ص: ۳۵۷)

این نامه به تحلیل و نقد سلطنت معاویه و تأکید بر حق اهل بیت علیهم السلام در خلافت پرداخته است. امام حسین علیه السلام به سران بصره یادآوری می‌کند که اهل بیت علیهم السلام به دلیل شایستگی‌هایشان حق خلافت دارند و حکومت بنی امیه را غیرقانونی می‌داند.

تحلیل سندی: حدیث مربوط به نامه، که از طریق ابی مخنف و الصقعب بن زهیر به

طبری رسیده است، به دلیل ضعف ابی مخنف ضعیف است، ولی الصقعب بن زهیر و ابی عثمان النهدی در زمره ثقات قرار دارند.

مضمون حدیث: امام حسین علیه السلام از این نامه برای تحقق اهداف اسلامی و اصلاح وضع موجود بهره برده است (طبری، ج ۵، ص: ۳۵۷؛ بلاذری، ۱۳۹۸ ق. / ۲۸، ۳۱، ۵۴؛ یعقوبی، ۱۳۵۸، ۲۷۶).

۴-۳- توجه به جایگاه جنگ

امام حسین علیه السلام در مسائل سیاسی به جنگ پرداخته و از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: «الْحَرْبُ خَدْعَةٌ» (بزاز، ۱۹۸۸، ۱۸۷/۴)، به معنای اینکه جنگ خدعه و فریب است.

تحلیل سنندی: سند این حدیث ضعیف است چون صفوان بن المغلس، یکی از راویان، مجهول الحال است، هرچند سایر راویان معتبرند (هیثمی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۶۸؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ هـ، ۳۳۵/۸).

مضمون حدیث: متن حدیث نشان‌دهنده آن است که جنگ به عنوان یک ضد ارزش تلقی می‌شود و تأثیرات منفی آن به جامعه آسیب می‌زند. قرآن نیز جنگ را عذاب الهی معرفی کرده و در اسلام تنها در شرایط ضروری و به عنوان جهاد مجاز است (سوره انعام، آیه ۶۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۰۹/۲۱، ۴۰۸-۴۰۹).

۴-۴- شناساندن ویژگی‌های اجتماعی فرد مؤمن

امام حسین علیه السلام در این روایت ویژگی‌های اجتماعی مؤمن را بیان کرده‌اند: «لَا يَزِيْرِي مُؤْمِنٌ، وَلَا يَسْرِقُ مُؤْمِنٌ، وَلَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ مُؤْمِنٌ» (المروزی، ۱۴۰۶ هـ، ۶۴۲/۲). این حدیث بر سه ویژگی اخلاقی مؤمن تأکید دارد: پرهیز از زنا، دزدی، و شرب خمر.

تحلیل سنندی: ابن حبان، أحمد بن بکر التغلبي و محمد بن مزاحم المروزي را در زمره ثقات ذکر کرده است (ابن حبان، ۱۴۱۱، ۵۱/۸، همان، ۵۸/۹). ترمزی از محمد بن مزاحم روایت کرده و مقاتل بن حیان و محمد بن زید العبدي نیز از ثقات هستند (مزی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۳۹۶؛ ابن حبان، ۱۴۱۱، ۵۰۸/۷؛ حنظلي، ۱۲۷۱ هـ، ۲۵۶/۷). از آنجا که هیچ یک از راویان تضعیف نشده و همگی معتبر هستند، این حدیث از نظر سنندی حسن است.

مضمون حدیث: این حدیث به سه ویژگی مؤمن تأکید دارد: پرهیز از زنا، دزدی، و شرب

خمر. این ویژگی‌ها جنبه‌های اجتماعی دارند و تأثیرات منفی آن‌ها فراتر از فرد و به جامعه آسیب می‌زند. این موارد در قرآن و روایات اسلامی به عنوان اعمال ناپسند و مضر شناخته شده‌اند و به شدت نهی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، صص ۱۰۳-۱۰۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۸۶).

پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي النَّارَ الْأَجْوْفَانَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۹)؛ یعنی شکم و شهوت جنسی بیشتر از همه باعث عذاب امت در دوزخ می‌شود. زنا و دزدی، به عنوان مصادیق این شهوت‌ها، در اسلام به شدت نهی شده‌اند. قرآن نیز به طور صریح زنا را منع کرده و آن را ناپسند و فاحش معرفی می‌کند: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء، ۳۲). سرقت و کسب حرام نیز به شدت مورد نهی قرار گرفته‌اند و پیامبر ﷺ نسبت به درآمدهای حرام و شهوت‌های پنهان هشدار داده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۲۴).

۴-۵- ایجاد همدلی در میان مردم

در این زمینه، حدیثی که امام حسین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: «نِعْمَ الشَّيْءُ الْهَدْيَةُ أَمَامَ الْحَاجَةِ» (تمیمی، ۱۳۹۵، ۱۱۳/۳)، بهترین عمل، هدیه دادن در زمان نیاز است. تحلیل سندی: حدیثی که بر اهمیت بخشش پیش از ابراز نیاز تأکید دارد، شامل احمد بن الحسن الصوفی و الهیثم بن خارجه است که به طور کلی معتبرند (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۳۲؛ ابن حنبل، ۱۴۳۰، ۳۸۸/۱۹). با این حال، یحیی بن سعید العطار، یحیی بن العلاء البجلي، و سعید بن المرزبان به دلیل ضعف در اعتبار مورد انتقاد هستند (عقیلی مکی، بی تا، ۴۰۳/۴؛ ابن حنبل، ۱۴۳۰، ۴۹۷/۱۹). به همین دلیل، سند حدیث ضعیف است. مضمون حدیث: این حدیث بر اهمیت کمک به دیگران و حفظ کرامت آنها تأکید دارد و تقسیم اموال میان مهاجران و انصار در مدینه این اصول را نشان می‌دهند.

روایت دیگری از امام حسین علیه السلام می‌گوید: «تَقْبِيلُ الْمُسْلِمِ يَدَ أَخِيهِ الْمُصَافِحَةُ» (الصوفی،

۱۴۱۶ هـ، ۴۰)

تحلیل سندی: سند این حدیث شامل أحمد بن موسی السعدي و دیگر روایان معتبر است، اما عمر بن ابراهیم الکردی و دیگر روایان به ضعف در اعتبار شناخته شده‌اند (الجوزی، ۱۴۰۶، ۲/۲۰۴).

مضمون حدیث: این حدیث بر محبت و نزدیکی میان مسلمانان تأکید دارد و قرآن نیز به اهمیت برادری و صلح میان مؤمنان اشاره کرده است (حجرات، آیه ۱۰).

۴-۶- زنده کردن امر به معروف و نهی از منکر

از مهم‌ترین مسائل سیاسی-اجتماعی که امام حسین (ع) بدان توجه داده، بحث امر به معروف و نهی از منکر است. در حدیث آمده است: «لَمَّا بَايَعَ مُعَاوِيَةَ لِيَزِيدَ حَجَّجَ، فَمَرَّ بِالْمَدِينَةِ فَحَطَبَ النَّاسَ، فَقَالَ: إِنَّا قَدْ بَايَعْنَا يَزِيدَ فَبَايَعُوا، فَقَامَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَقَالَ: أَنَا وَاللَّهِ أَحَقُّ بِهَا مِنْهُ، فَإِنَّ أَبِي خَيْرٌ مِنْ أَبِيهِ، وَجَدِّي خَيْرٌ مِنْ جَدِّهِ، وَإِنَّ أُمِّي خَيْرٌ مِنْ أُمِّهِ، وَأَنَا خَيْرٌ مِنْهُ، فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: «أَمَّا مَا ذَكَرْتَ أَنْ جَدَّكَ خَيْرٌ مِنْ جَدِّهِ فَصَدَّقْتَ، رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرٌ مِنْ أَبِي سُفْيَانَ بْنِ حَرْبٍ، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ أَنَّ أُمَّكَ خَيْرٌ مِنْ أُمِّهِ فَصَدَّقْتَ، فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرٌ مِنْ بِنْتِ مِجْدَلٍ، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ أَنَّ أَبَاكَ خَيْرٌ مِنْ أَبِيهِ فَقَدْ قَارَعَ أَبُوهُ أَبَاكَ فَقَضَى اللَّهُ لِأَبِيهِ عَلَى أَبِيكَ، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ أَنَّكَ خَيْرٌ مِنْهُ فَلَهُوَارُبُ مِنْكَ وَأَعْقَلُ، مَا يُسْرِنِي بِهِ مِثْلُكَ أَلْفٌ» (طبرانی، ۱۴۱۵، ۱۹، ۳۵۶/۱).

تحلیل سندی: خطیب بغدادی مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ الْجُدُوْعِيِّ را ثقه دانسته است. (خطیب بغدادی، بی تا، ۳/۴۲۳) ابن حبان، زیاد بن یحیی الحسانی را در زمره ثقات ذکر کرده است. (ابن حبان، ۱۴۱۱، ق، ۸/۲۴۹) نسائی نیز او را ثقه دانسته است. (نسائی، ۱۴۲۳، ص ۸۷) او از رجال صحیح مسلم است. (ابن منجویه، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۰)

الهیثم بن الربیع العقیلی، به وهم در حدیث متهم شده است. (عقیلی مکی، ۱۴۰۴، هـ، ۴/۳۵۳) ابوحاتم گفته که معروف نیست. ترمذی تنها یک حدیث از او نقل کرده است. (ترمذی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۳۸۵)

ابن حبان، سِرَارُ بْنُ مُجَشَّسٍ أَبُو عُيَيْدَةَ الْعَنْزِيُّ (ابن حبان، ۱۴۱۱، ق، ۸، ۳۰۵) وهشام بن حسان الأزدی (ابن حبان، ۱۴۱۱، ۷/۵۶۶) را در زمره ثقات ذکر کرده است.

محمد بن سیرین الأنصاری نیز ثقه است. (رازی، ۱۴۰۲، ۳/۹۲۹) او یکی از راویان متهم به وهم است، در نتیجه سند حدیث ضعیف است.

مضمون حدیث: امام حسین در هر موقعیتی به امر به معروف پرداخته و از آنان که

محور حق بودند دفاع می‌کرد. (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ۹۴-۹۵) نمونه‌هایی از موضع‌گیری‌های امام حسین علیه السلام در حکومت معاویه بود که نشان از روحیه تسلیم‌ناپذیری و ظلم‌ستیزی آن حضرت در مقابل اعمال ضد اسلامی معاویه و عمالش بود. امام این اقدامات را در زمانی انجام می‌دادند که جامعه اسلامی اسیر جهل، غفلت، بی‌عدالتی و خفقان امویان بود؛ و به تدریج افکار عمومی را برای قیام و نهضت خود در سال (۶۱ هـ) آماده کرد.

۷-۴- توجه به نقش دنیاگرایی در مسائل سیاسی - اجتماعی

حدیث: إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينُ لَعَقٌّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحْوِطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُخِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ.»

تحلیل سندی: طبری این حدیث را از ابومخنف به واسطه عقبه بن ابی العیزار نقل کرده است. عقبه، فردی کوفی بود. ابوزرعه گفته که اشکالی براون نیست. (الرازی، ۱۴۰۲، ۳/۹۱۰) ابی حاتم رازی گفته که اشکالی براون نیست. احمد بن حنبل نیز گفته که صالح الحدیث است. (الحنظلی، ۱۲۷۱ هـ، ۶/۳۱۵)

مضمون حدیث: «این دنیا تغییر کرده و چهره واقعی خود را نشان نداده است و آنچه از آن باقی مانده تنها مقداری است که به آن توجه نمی‌شود. حق اجرانمی‌شود و باطل ممنوع نمی‌گردد. لذا مؤمن باید به دیدار خداوند رغبت داشته باشد، زیرا مرگ را جز سعادت نمی‌بینم و زندگی با ظالمان را به سختی می‌نگرم» (خوارزمی، ج ۲، ص ۷).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمودند: «دنیا دو نوع است: دنیای بی‌فایده و دنیای مفید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۳۱). امام علی علیه السلام نیز به فساد عقل و قلب ناشی از دنیاگرایی اشاره کرده و فرموده‌اند: «محبت دنیا عقل را فاسد می‌کند و قلب را از درک حکمت ناتوان می‌سازد» (لثی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۳). این آموزه‌ها تأکید دارند که وابستگی به دنیا انسان را از توجه به ارزش‌های واقعی و دینی منحرف می‌کند و بر اهمیت پرهیز از دنیاپرستی تأکید دارند.

۸-۴- توجه رفتار صحیح براساس سنت

امام حسین علیه السلام از رسول خدا روایت کرده‌اند «عَمَلٌ قَلِيلٌ فِي سُنَّةٍ، خَيْرٌ مِنْ عَمَلٍ كَثِيرٍ

فِي بُدْعَةٍ» (الحنبلی، ۳۸۷ هـ، ۱/۳۵۷) «عمل کم در سنت بهتر از عمل زیاد در بدعت است» (الحنبلی، ۳۸۷ هـ، ۱/۳۵۷).

تحلیل سندی: حفص بن عمر الأردبیلی: ثقة بود. (ذهبی، ۱۴۱۴، ۱۵/۴۳۴)
 محمد بن إدريس الحنظلي: امام، حافظ، ناقد، شیخ المحدثین (ذهبی، ۱۴۱۴، ۱۳/۲۴۷)
 او یکی از ائمه حافظ، اثبات، مشهور به علم و اهل فضل بود. (مزی، ۱۴۰۰، ج ۲۴، ص ۳۸۱)
 محمد بن عمرو التمیمی: او ثقة است. (مزی، ج ۸، ص ۲۳۷)
 بهز بن أسد العمی: او ثقة و ثبت بود. (ابن حنبل، ۱۴۳۰ هـ، ۱۶/۳۳۶)
 فضالة بن عمیر الزهرانی: ابن حبان او را در زمره ثقات ذکر کرده است. (العجلی الکوفی، ۵/۲۹۶)

مضمون حدیث: این حدیث بر اهمیت انجام اعمال مطابق با سنت پیامبر (ص) و دوری از بدعت‌های نادرست تأکید دارد. امام حسین (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند که عمل کوچک ولی مطابق با سنت ارزش بیشتری دارد تا اعمال زیاد که بر اساس بدعت است. این تأکید بر سنت در مقابل بدعت، نشان‌دهنده اهمیت پیروی از آموزه‌های صحیح دین و اجتناب از تغییرات نادرست است و می‌تواند به حفظ ارزش‌های دینی و پیشرفت جامعه کمک کند.

نتیجه‌گیری

از امام حسین (ع) در منابع اهل سنت احادیثی در حوزه مسائل سیاسی-اجتماعی نقل شده است. تحلیل این احادیث نشان می‌دهد که در هیچ یک از منابع اصلی اهل سنت (صحاح سته) ذکر نشده‌اند. از ۹ حدیث بررسی شده، چهار حدیث صحیح و معتبر و پنج حدیث دیگر ضعیف هستند. محتوای این احادیث شامل تأکید بر جایگاه اهل بیت، حق جانشینی پیامبر (ص)، ویژگی‌های اجتماعی مؤمن، همدلی میان مردم، و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و تأثیر منفی دنیاگرایی است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن اثیر، عز الدین، تاریخ کامل، جلد نهم، تهران، اساطیر.
- ابن جوزی، جمال الدین ابوالفرج (۱۴۱۲ق)، المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، محقق: محمد عبد القادر عطا، مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، بیروت.
- ابن سعد الطبقات الکبری، القسم المتمم لتابعی أهل المدينة ومن بعدهم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۸.
- ابن شبه نمیری، عمر بن شبه تاریخ المدینة المنورة، قم: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
- ابن صلاح، تقی الدین (۱۴۰۶)، معرفة أنواع علوم الحدیث، محقق: نور الدین عتر، سوریه/بیروت: دار الفکر/ دار الفکر المعاصر.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن (۱۴۱۵ق)، تاریخ دمشق، محقق: عمرو بن غرامة العمروی، بی جا: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- ابن منجویة، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، رجال صحیح مسلم، محقق: عبد الله الیثی، بیروت: دار المعرفة.
- ابن منظور، محمّد بن مکرم لسان العرب، چاپ ۳، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- أبوالحجاج، یوسف بن عبدالرحمن بن یوسف، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، الطبعة: الأولى، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۰م.
- ابوحاتم، عبد الرحمن بن محمد (۱۲۷۱ق)، الجرح والتعديل، حیدرآباد دکن/ بیروت: طبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیة/ دار إحياء التراث العربی.
- ابویوسف، یعقوب بن سفیان (۱۴۰۱ق)، المعرفة والتاریخ، محقق: أكرم ضياء العمري، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا)، التاریخ الکبیر، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیة.
- بزاز، ابوبکر احمد بن عمرو (۲۰۰۹م)، مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، محقق: محفوظ الرحمن زین الله، عادل بن سعد، صبری عبد الخالق الشافعی، مدینه: مكتبة العلوم والحکم.
- بشیریة، حسین (۱۳۸۱)، آموزش دانش سیاسی «مبانی علم سیاست». تهران: نگاه معاصر.
- البغدادي، أبوحفص عمر بن أحمد بن عثمان بن أحمد بن محمد بن أيوب بن أذاذ (بی تا)، تاریخ أسماء الثقات، بی تا، بی نا.
- بلخی، ابوالقاسم (۱۴۲۱ق)، قبول الأخبار ومعرفة الرجال، محقق: أبوعمروالحسینی بن عمر بن عبد الرحیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، بیروت.
- التمیمی السمعانی المروزی، عبد الکریم بن محمد بن منصور، التحیر فی المعجم الکبیر، الطبعة: الأولى، بغداد: ناجی سالم، ۱۳۹۵هـ.
- الجوزي، جمال الدين أبوالفرج، الضعفاء والمتروكون، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶.
- حنبل، أبوعبد الله أحمد، الجامع لعلوم الإمام أحمد، بی: بی نا، ۱۴۳۰هـ.

حنبل، احمد (۱۴۳۰ق)، **الجامع لعلوم الإمام أحمد**، مصر: دار الفلاح للبحث العلمي وتحقیق التراث. خطابی، ابوسلیمان (۱۳۵۱ق)، **معالم السنن**، حلب: المطبعة العلمية. الخطیب البغدادي، أبوبکر أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي، **الكفاية في علم الرواية**، حيدر آباد: الدكن، ۱۳۵۷.

خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۲۲ق)، **تاریخ بغداد**، محقق: الدكتور بشار عواد معروف، بیروت: دار خوارزمی، موقّق بن احمد **مقتل الحسين عليه السلام**، تحقیق محمد سماوی، قم: انوارالهدی، ۱۴۲۳ق. خیاط، ابو عمرو (۱۳۹۷ق)، **تاریخ خلیفة بن خیاط**، محقق: د. اکرم ضیاء العمري، دمشق/بیروت: دار القلم/ مؤسسه الرسالة.

دهخدا، علی اکبر، **لغت‌نامه**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷. الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَائِمَاز، **المغني في الضعفاء**، حلب: دارالكتب، ۱۳۹۱.

ذهبی، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان، **سير أعلام النبلاء**، قاهره: دار الحديث، ۱۴۲۷هـ. ذهبی، شمس الدين (۱۳۸۲ق)، **میزان الاعتدال في نقد الرجال**، تحقیق: علي محمد البجاوي، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.

ذهبی، شمس الدين (۱۴۱۳ق)، **الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة**، محقق: محمد عوامة أحمد محمد نمر الخطیب، جده: دار القبلة للثقافة الإسلامية - مؤسسه علوم القرآن.

ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، **تذهیب تهذیب الکمال فی أسماء الرجال**، بی نا: فاروک مدرن، ۱۴۲۵. رازی، سعدي بن مهدي الهاشمي کتاب الضعفاء، **المدينة النبوية: عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية**، ۱۴۰۲هـ.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**. تحقیق صفوان عدنان داودی. دمشق: دارالعلم. **الدار الشامیة**، ۱۴۱۲ق.

سیوطی، جلال الدين (بی تا)، **تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي**، بی جا: دار طيبة. سیوطی، جلال الدين، **عبدالرحمان، اللالی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعة**، قاهره ۸۴۹-۹۱۱ق. شیخ بهایی، محمد بن حسین، **الوجیزه فی الدراییه**، قم: بصیرتی، بی تا، ۱۳۷۸.

صبحی، صالح **نهج البلاغة**. ترجمه مصطفی رحیمی نیا. تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰. صفدی، صلاح الدين (۱۴۲۰ق)، **الوافي بالوفيات**، محقق: أحمد الأناؤوط وتركي مصطفى، بیروت: دار احیاء التراث. طاهری، حسن، **جهاد در قرآن**، قم: حسن طاهری خرم آبادی، ۱۳۸۰.

الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، **المعجم الأوسط**، القاهرة: دار الحرمين، ۱۴۱۵هـ. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، **المسترد في إمامة علي بن أبي طالب عليه السلام** - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۵ق.

طبری، محمد بن جریر بی تا، **تاریخ الأمم والملوک**، بیروت: دارالتراث، بی تا.

- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين. تحقیق سید احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
- عبد الرحمن بن زبیر، ابوسلیمان (۱۴۱۰ق)، تاریخ مولد العلماء ووفیاتهم، محقق: د. عبد الله أحمد سلیمان الحمد، ریاض: دار العاصمة
- العجلی الکوفی، أبو الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح، تاریخ الثقات، الطبعة الأولى، بی جا: دار الباز، ۱۴۰۵هـ.
- عجلی کوفی، ابوالحسن (۱۴۰۵ق)، تاریخ الثقات، بی جا: دار الباز.
- عده ای از علماء، الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری)، قم، چاپ: اول، ۱۳۶۳ش.
- عزیزی، نور الدین بن محمد، السراج المنیر شرح الجامع الصغیر فی حدیث البشیر النذیر، بی جا: بی نا، بی تا.
- العقيلي المكي، أبو جعفر محمد بن عمرو بن موسى بن حماد، الضعفاء الكبير، الطبعة: الأولى، بيروت: دار المكتبة العلمية، ۱۴۰۴هـ.
- العكبري الحنبلي، أبو عبد الله عبيد الله بن محمد بن بطة (بی تا). الإبانة عن شريعة الفرقة الناجية ومجانبة الفرق المذمومة، الرياض: دار الراجحة للنشر والتوزيع
- العلمیه خطیب البغدادي، أبو بكر أحمد بن علي بن ثابت، الفقيه والمتفقه، بيروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷هـ.
- فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير- قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ق.
- قرطبی، ابو عمر یوسب بن عبد الله (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، محقق: علي محمد الجاوي، بيروت: دار الجیل، بیروت
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید الزهد، مشهد: دانشگاه رضوی مشهد، ۱۳۶۸.
- کحلانی، محمد بن إسماعیل بن صلاح بن محمد الحسنی، التَّنْوِیْرُ شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ، المحقق: د. محمد إسحاق محمد إبراهيم، ریاض: مكتبة دار السلام، الرياض، ۱۴۳۲ق.
- مصباح یزدی، محمد تقی، جانها فداي دين، قم: انتشارات موسسه آموزشی وپژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۶۸ش.
- مناوی، زین الدین، فیض القدير شرح الجامع الصغیر، مصر: المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۵۶ق.
- نسائی، ابو عبد الرحمن (۱۴۲۱ق)، السنن الكبرى، محقق: حسن عبد المنعم شلبي، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- نسائی، ابو عبد الرحمن (۱۴۲۳ق)، تسمية مشايخ أبي عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي النسائي وذكر المدلسين (وغير ذلك من الفوائد)، محقق: الشريف حاتم بن عارف العوني، مکه: دار عالم الفوائد.
- نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی وپژوهشی امام خمینی (۵)، ۱۳۸۲.
- همدانی وادعی، مقبل بن هادی (۱۴۲۵ق)، رجال الحاكم في المستدرک، صنعاء: مكتبة صنعاء الأثرية.
- هیشمی، ابوالحسن (۱۴۱۴ق)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، محقق: حسام الدين القدسي، قاهره: مكتبة القدسي.
- یحیی بن معین، ابوزکریا (۱۳۹۹ق)، تاریخ ابن معین (روایة الدوری)، محقق: د. أحمد محمد نور سیف، مکه: مركز البحث العلمي وإحياء التراث الإسلامي.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بی جا: دار صادر، ۱۳۵۸ق.